



دولت‌های یازدهم و دوازدهم نوشت: «دست از خوشمزگی و بدبیه‌سرابی بردارید. پراکنده گویی نکنید. حداقل پراکنده گویی را منتشر نکنید. رئیس‌جمهور شخصیت رسمی دوم کشور است و باید با دقتی در حد شخص دوم سخن بگوید یا سخنانش زنده منتشر نشود. به رهبری نگاه کنید هیچ‌گاه بدون یادداشت سخن نمی‌گوید؛ حال آن که اول خطیب کشور است.» یا **احسان صالحی**، دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم نوشت: «تیم رسانه‌ای رئیس‌جمهور در انتشار محتوا بی‌دقتی می‌کند. در بازدید از وزارت خارجه جملات نامناسبی ناظر به زنگزور منتشر شد و امروز هم فیلمی درآمده که به وضوح پیداست رئیس‌جمهور فی‌المجلس و در حال پاسخ دادن به یک سوال بدون تنظیم کلمات از قبل است. این بی‌دقتی‌ها هم به ضرر رئیس‌جمهور تمام می‌شود، هم کشور.» همچنین **وحید اشتیری**، فعال رسانه‌ای اصولگرا به این موضوع پرداخته که «اگر کسی از نزدیکان به آقای پزشک‌یان بگوید اصلاً سخنجوری آقایان روحانی، احمدی‌نژاد و خاتمی را ندارد و حتی از آقای رئیسی که تسلط مطلوبی نداشت هم قدری نامسلط‌تر به مسائل است و ایشان را متقاعد کند که هیچ‌گاه بدون یادداشت سخن نگوید، به نظرم یک خدمت تاریخی به ایشان و به ایران کرده است.»

▼ پايان سخن

اینکه بعد از هر سخنرانی رئیس‌جمهور و مقامات دیگر کشور واکنش‌ها به سخنان آن افراد صورت گیرد، موضوع دور از انتظاری نیست و طبیعی است که موافقان و مخالفان هر یک از گزاره‌های مطرح‌شده به بیان نظر خود بپردازند اما دو مسئله در سخنان پزشک‌یان را نباید فراموش کرد. اول، پزشک‌یان در هماهنگی با رهبری و سایر مقامات به بیان سخنانی می‌پردازد که هم جامعه‌ا را با واقعیت‌ها و مباحث در حال پیگیری از سوی دولت روبه‌رو سازد و تندروها خود را مدعی تبعیت از رهبری می‌دانند.

دوم؛ سخنان پزشک‌یان در واکنش به تندروهای داخلی این پیام را هم به مردم داخل کشور و هم به جهان و حتی تندروهای آن سوی آب‌ها مخابره می‌کند که ما «احساسی رفتار نخواهیم کرد» و مخالف جنگ هستیم.

در شرایط فعلی موضوع سیاست خارجی و قدم‌های ما در این حوزه بسیار حیاتی است، پس خوب است انقدر همه به‌ویژه در مسیر تخطئه مقامات اجرایی دست به بیان نظرات‌شان نزنند. مگر مخالفان دولت مدعی اصولگرایی بر این نیستند که باید گوش به فرمان نظرات رهبری باشند اگر اشتباهی در این زمینه صورت گرفته، بگذارند ایشان که تصمیم‌گیر در این حوزه است خودش تذکر دهد و در نهایت سخنگوی وزارت خارجه اگر اشتباهی در بیانات رئیس‌جمهوری بود اعلام می‌کند. ما یک جنگ را پشت سر گذاشتیم و هجمه به رئیس‌جمهوری آن هم در یک موضع صلح‌طلبانه که خودش هم می‌گوید هماهنگ شده است؛ چه ضرورتی به جز بهره‌برداری سیاسی داخلی دارد.

البته می‌ماند آن دسته از تندروها که از آب گل‌آلود می‌خواهند ماهی بگیرند و طرح عدم کفایت رئیس‌جمهوری را استارت بزنند. اول آنکه آن زمان هم که درباره ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهوری اول ایران این اتفاق افتاد بدون اجازه رهبری وقت نبود و امام خمینی بعد از آن هم اختلاف و شرایط به ماه‌های اول جنگ موافقت کردند که چنین شود و حالا پزشک‌یان در نقطه مقابل قرار دارد یعنی او از رهبری می‌گوید: «حتی اگر نظر رهبری با نظرم یکی نبود من معتقدم نظر رهبری را باید انجام داد.» و مدعیان تبعیت از رهبری در برابر آن ایستاده‌اند. در نهایت هم شاید پاسخ **سخنگوی جبهه اصلاحات ایران** در واکنش به تهدیدات تندروها برای طرح عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور در مجلس در شبکه ایکس نیز باید اینجا آورده شود: «کسانی صحبت از کفایت سیاسی می‌کنند که در انتخابات آزاد و بدون دوپینگ نظارت استصوابی، رأی‌شان کفاف هیأت‌مدیره ساختمان مسکونی‌شان را هم نمی‌دهد! تنها راه خروج از بن‌بست امروز، بازگشت به مردم و برگزاری انتخابات آزاد و حاکم شدن مردم بر سرنوشت خویش است.»

تندروها مواجه می‌شود....اما پزشک‌یان کار خود را کرده است و ضربه خود را زده. او نه‌فقط تندروهای داخلی را با پرسشی صریح مواجه می‌کند که «اگر حرف نزنیم، پس جنگ کنیم؟»؛ سیگنالی را به جامعه بین‌المللی می‌فرستد و نشان می‌دهد در ایران، جریان خواستار پذیرش نظم جهانی فعال است و در پی فراهم‌سازی بستر مذاکراتی جدی و جدید و احیاناً، جامع.»

▼ واکنش‌های دیگر

علاوه بر این موارد واکنش‌های دیگری نیز به سخنان پزشک‌یان اتفاق افتاد؛ از بحث بر سر صداقت او تا نگرانی از شرایط دولت در یک‌سالگی اش؛ مثلاً:

محمدعلی ابطحی، فعال سیاسی درباره سخنان دیروز پزشک‌یان در حساب‌کاری خود در توییتر نوشت: «راستگویی سیاه‌نمایی نیست؛ پیدا کردن راه برای آینده است.سرمایه بزرگ پزشک‌یان صداقت در طرح مشکلات است و نامحرم ندانستن مردم. دشمن وقتی شاد می‌شود که گمان کند مسئولان سر‌زیر برف کرده‌اند.به تندروها توجه نکنید. مردم قدر پزشک‌یان و رهنمودهای رهبری را در سیاست داخلی و خارجی می‌دانند.» یا **سعید آجورلو**، فعال سیاسی اصولگرا نوشت: «در دیدار با پزشک‌یان، او حوصله کرد و نقدها را شنید. از چالش‌های پیش‌رو گفت. نگران بود و کمک می‌خواست. از کلام‌اش می‌شد دریافت که مذاکره در پیش است. برای نرژین برنامه دارد. انتظار داشتیم رئیس‌جمهور در یک‌سالگی دولت‌ش سر‌حال‌تر باشد.بعد از جلسه کمی نگران شدم. باید رئیس‌جمهور را کمک کرد.» یا **محسن هاشمی**، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در برنامه تلویزیونی گفت: «نباید فضا و فشار به‌گونه‌ای باشد که حتی رئیس‌جمهور هم نتواند حرفش را بزند و مورد تخریب و توهین قرار بگیرد.»

همچنین وب‌سایت بصیرت، یادداشتی با عنوان «عرصه سیاست خارجی جایی برای بیان هر واقعیتی نیست» از **عزیز غضنفری**، جانشین معاون سیاسی سپاه منتشر کرد که در آن آمده است: «در سلامت و صداقت رئیس‌جمهور محترم تردیدی وجود ندارد، اما افکار عمومی دنیا، رسانه‌ها و سایر بازیگران نظام بین‌الملل از هر جمله آقای رئیس‌جمهور، مطابق با امیال و اهداف خودشان تفسیر می‌کنند. متأسفانه اشتباهات کلامی رئیس‌جمهور، مخصوصاً در بحبوه حوادث مهم و سرنوشت‌ساز، زیاد شده و گاه آسیب‌هایی را به حوزه امنیت ملی وارد ساخته است.

عرصه سیاست خارجی جایی برای بیان هر واقعیتی نیست. مخابرات بیان عبارت‌های نادرست توسط مسئولان بلندپایه دولتی، بیش و پیش از همه دامن خود دولتی‌ها را می‌گیرد و کار را برای کنش‌گری آنان در عرصه بسیار پیچیده و نفس‌گیر سیاست‌خارجی و حتی سیاست داخلی دشوار می‌سازد. از این منظر شخص رئیس‌جمهور و گروه مشاوران دلسوز ایشان و منافع ملی، با در نظر گرفتن چنین ملاحظه‌مهمی برای حل این مشکل، چاره‌جویی کنند.» در بخش دیگر این یادداشت شاهد نوع دیگری از نقد به رئیس‌جمهوری هستیم که البته برخی چهره‌های سیاسی دیگر نیز از جمله اصولگرایان به آن پرداخته‌اند. غضنفری نوشت: «در ایام تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۳ آقای پزشک‌یان احتمالاً بنا به توصیه مشاورانش دیدگاه‌های خودش را گاهی اوقات از روی متنی که پیش‌تر نوشته شده بود می‌خواند. درست یا غلط آن را کاری نداریم، اما یک منطق، که آن جلوگیری از ایجاد خطا بوده، آقای پزشک‌یان و تیم همراه او را قانع ساخته بود تا از روی متن صحبت کنند. آن منطق کماکان پابرجاست؛ تازه الان که ایشان رئیس‌جمهور شده، اهمیتش بیشتر نیز شده است. در زمانه‌ای زیست می‌کنیم که هر کلمه و جمله‌ای بار معنایی خودش را دارد. مخصوصاً عبارت‌های بکار برده شده توسط مقامات سیاسی گاه سرنوشت کشورها و جوامع را دست‌خوش حوادث می‌سازد.»

در ادامه این نوع انتقاد نیز افراد مختلف به ایرادگیری از نحوه سخن گفتن رئیس‌جمهوری پرداخته‌اند. مثلاً **حسام‌الدین آشنّا**، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک

جعبه ابزار سیاست خارجی و از آن فراتر اداره کشور چیز دیگری غیر از مذاکره آن هم با یک کشور خاص وجود دارد و این رویکرد زودتر از آنچه تصور می‌شود دولت ایشان را به بن‌بست خواهد کشاند.»

عبدالله گنجی، فعال سیاسی اصولگرا در این زمینه نوشت: «هیچ مذاکره‌ای را یک طرف مذاکره نتیجه‌اش را از قبل اعلام نمی‌کند و حین مذاکره هم بر اعلام قبلی اصرار نمی‌کند، جایی برای چکش‌کاری و تعدیل نظرات باقی می‌گذارد. دوم اینکه خطوط قرمز شما(که خلاف قواعد بین‌المللی نیست) با هیچ تعدیل و هیچ روشی -جز تسلیم-محترم شمرده نمی‌شود. حالا اگر کسی این را می‌داند و‌هی مذاکره، مذاکره می‌کند باید توضیح دهد: آیا به خطوط قرمز اعلام‌شده نظام باور دارد؟ انعطافی در طرف می‌بیند؟ یا کاسب سیاسی است؟ مذاکره با آمریکا در حد گفت‌وگو هم نیست.»

البته در این بین **رجانیوز** پاسخی به این سوال پزشک‌یان داده است و در مطلبی با عنوان «پژواک صدای ما نمی‌توانیم از تریبون رئیس‌جمهوری اسلامی» اینگونه نوشته است: «شما با تردید و از موضعی ضعیف می‌رسید: «خب می‌خوای چیکار کنی، می‌خوای بجنگی؟ خب او‌مد زد.» این چه ادبیاتی است که از زبان فرمانده اجرایی کشور شنیده می‌شود؟ این همان منطق ذلت‌باری است که می‌گوید چون دشمن قوی است و می‌زند، پس باید از حق خود کوتاه بیاایم. بله، آقای رئیس‌جمهور، دشمن «آمد و زد». هزاران نفر از بهترین فرزندان این آب و خاک را به شهادت رساند. پاسخ یک رئیس‌جمهور مقتدر به این جنایت، پرسیدن «حالا چه کنیم؟» نیست؛ پاسخ، بسیج تمام امکانات کشور برای در هم کوبیدن دشمن و گرفتن تقاصی تاریخی است که تا ابد از فکر تجاوز دوباره به این خاک پشیمان شود.»

یکی از نمایندگان تهران در مجلس که اتفاقاً بازهم در جرگه تندروها قرار دارد، با انتشار متنی در کانال تلگرامی‌ یا را یک گام فراتر گذاشت نه انتقاد و اعتراض بلکه بحث عدم کفایت سیاسی رئیس‌ دولت چهاردهم را پیش کشید. او در این زمینه نوشت: «آیا پزشک‌یان کفایت سیاسی دارد؟ آیا جز این است که این مواضع متناقض، حکایت از شخصیت متزلزل و بی‌ثبات ایشان در بزنگاه‌های سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی دارد؟ آیا جز این است که این مواضع، در نگاه دشمن به معنای انفعال، ضعف و درماندگی در برابر تهدیدات و تجاوزات نظامی آن‌هاست و طبعاً دشمنان ملت ایران را برای تجاوز و حمله نظامی به کشورمان تحریک می‌کند؟ آیا شخصیتی با این مواضع متناقض که بسیاری از سخنان او مصداق آب در آسیب دشمن است، کفایت سیاسی دارد؟ به نظر من آقای پزشک‌یان کفایت سیاسی برای پست ریاست‌جمهوری را ندارد.»

البته در برابر این سخنان و اظهارنظرها آن سوی قضیه و موافقان نظر رئیس‌جمهوری ساکت ننشستند و علاوه بر آنچه زیدآبادی و موسایی با همین محوریت مطرح کردند افرادی مانند مهدی عرب صادق، فعال سیاسی اصولگرا هم نسبت به این نوع حملات به رئیس‌جمهوری واکنش نشان داد. او در شبکه اجتماعی ایکس در واکنش به حمله ظهوریان نماینده پایداری به پزشک‌یان نوشت: «هر بار مشهود می‌روید، به‌جای خدمت، با نسخه حمله برمی‌گردید؛ پادتان باشد نماینده ملتید، نه منبری حیاط علم‌الهدی!»

جواد روح، سردبیر هم‌میهن نه در واکنش به اعتراضات بلکه در پی انتشار سخنان پزشک‌یان نوشت: «این نقد صریح(حسین شریعتمداری درباره مذاکره با آمریکا)، پاس گلی بود به مسعود پزشک‌یان تا به‌صراحت پاسخ دهد و بگوید: «اگر مذاکره نکنیم، چه کنیم؟». و در بخش دیگر مطلبش هم لب کلام را مطرح می‌کند: «این سخن که «اگر مذاکره نکنیم، چه کنیم؟»؛ برآمده از واقعیت مناسبات قدرت و نظام بین‌الملل کنونی است. گفتمان رسمی در ایران تلاش دارد این واقعیت را زیر سایه شعارها و تبلیغات و تحلیل‌های سفارشی نویسندگان و اندیشکده‌های وابسته، بیوشاند اما ناگهان پزشک‌یان سر می‌رسد و با عبارتی کوتاه و گویا و عامه‌فهم، همه این پوشش‌ها و روایت‌های برساخته را از هم می‌گسلد. طبعاً، این سخن پزشک‌یان با واکنش

احزاب



شاخص‌های پیشنهادی برای آزادی زندانیان سیاسی

پس از اینکه غلامحسین محسنی‌آژه‌ای، از درخواست ارائه لیست اسامی زندانیان سیاسی حرف زد، جبهه اصلاحات ایران نامه‌ای را با عنوان «شاخص‌های پیشنهادی جبهه اصلاحات ایران برای آزادی زندانیان سیاسی» با امضای آذر منصوری، منتشر کرد.

در ابتدای این نامه آمده است: «آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و تغییر رویه در برخورد با منتقدان مصلح و آزادی‌های مدنی و سیاسی در کشور، مطالبه‌ای جدی است که جبهه اصلاحات ایران پس از جنگ ۱۲ روزه در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۵ تیر ۱۴۰۴ درخواست کرد. تقریباً سه هفته بعد، از طرف رئیس قوه قضائیه با رئیس جبهه اصلاحات ایران تماس تلفنی گرفته و اعلام کردند فهرست زندانیان سیاسی موردنظر جبهه در اختیار ایشان گذاشته‌شود. در پی این تماس تلفنی، موضوع در خواستی با اعضای مجمع عمومی جبهه اصلاحات ایران در میان گذاشته شد. پس از بحث و بررسی، مجمع عمومی این جبهه به این جمع‌بندی رسید که تهیه‌هرگونه لیستی از زندانیان سیاسی و عقیدتی ممکن است ناقض عدالت عام و به نوعی پذیرش تلویحی نگاه تقلیل‌گرایانه‌وعبور از حقوق سایر زندانیان بی‌گناه باشد و لذا تصمیم گرفت به جای اعلام مصادیق، با استناد به قانون اساسی و قوانین موضوعه، معیارها و شاخص‌های شناسایی زندانیان سیاسی و عقیدتی را تعیین کرده و در اختیار قوه قضائیه بگذارد. این امر مهم برعهده کارگروه پیگیری رفع حصر و حقوق شهروندی جبهه اصلاحات ایران به عنوان یک کارگروه حقوقی و کارشناسانه گذاشته شد. این شاخص‌ها پس از تدوین، طی نامه‌ای با امضای رئیس جبهه اصلاحات ایران در تاریخ ۲۴ تیر ۱۴۰۴ برای رئیس قوه قضائیه ارسال شد.»

در ادامه نامه آمده است: «در پی اظهارنظر اخیر محسنی‌آژه‌ای مبنی بر این که «تاکنون هیچکدام از جریانات درخواست‌کننده آزادی زندانیان سیاسی به من فهرستی ارائه ندادند و برخی از آنها وقتی با مطالبه من مواجه شدند، گفتند که ما برای ارائه فهرستِ زندانیان سیاسی، ملاحظات داریم، متن نامه مربوط به شاخص‌ها و معیارهای شناسایی زندانیان سیاسی و عقیدتی جهت تدویر افکار عمومی در زیر ارائه می‌شود: عطف به نامه شماره ۵-۳۰/ج مورخ ۵ تیر ۱۴۰۴ جبهه اصلاحات ایران خطاب به جنابعالی، شاخص‌های زیر برای آزادی زندانیان سیاسی ارائه می‌شود:

۱- **شاخص‌های مبتنی بر ماهیت جرم:** زندانیانی که صرفاً به دلیل فعالیت‌های فکری، مدنی، بیان عقاید، با اعتراضات مسالمت‌آمیز دستگیر و محکوم شده‌اند و اقدامات آن‌ها شامل هیچ‌گونه خشونت فیزیکی یا مسلحانه نبوده است. مانند افرادی که به اتهاماتی مانند «تبلیغ علیه نظام»، «توهین به مقدسات یا مقامات»، «نشر اکاذیب به قصد تشویش افکار عمومی»، یا «تشکیل گروه‌های غیرقانونی» صرفاً بر اساس فعالیت‌های رسانه‌ای، روزنامه‌نگاری، یا سیاسی-اجتماعی مسالمت‌آمیز محکوم شده‌اند.

۲- **شاخص‌های مبتنی بر وضعیت جسمی و سابقه تحمل محکومیت:** زندانیان بیمار، بویژه افرادی که به بیماری‌های شدید یا صعب‌العلاج مبتلا هستند و ادامه حبس، سلامت یا جان آن‌ها را به خطر می‌اندازد، یا نیاز به مراقبت‌های پزشکی خاص دارند که در زندان امکان‌پذیر نیست و نیز زندانیان سالخورده، افراد کم‌توان، و زنان باردار یا دارای فرزند شیرخوار، و زندانیانی که بخش قابل توجهی از دوران محکومیت خود را سپری کرده‌اند، بویژه افرادی که واجد شرایط آزادی مشروط هستند.

۳- **شاخص‌های مبتنی بر فعالیت‌های حرفه‌ای و مدنی:** افرادی که نقش اساسی در حیات مدنی، سیاسی و اجتماعی جامعه دارند و آزادی آنها می‌تواند به بهبود فضای سیاسی جامعه کمک کند.

مانند فعالان مدنی و صنفی از قبیل روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، معلمان، استادان دانشگاه، فعالان حقوق‌زنان و اعضای اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی که فعالیت‌های قانونی و مدنی آن‌ها منجر به محکومیت شده و نیز دانشجویان که صرفاً به دلیل فعالیت‌های سیاسی، صنفی، یا اعتراضی در دانشگاه‌ها با‌زداشت و محکوم شده‌اند.» در پایان نامه نوشته شده است: «همچنین خواهشمند است عفو و موقوفی تعقیب تمام ایرانیان داخل و خارج، اعم از زندانی و غیرزندانی و محکومین سیاسی که دارای آرای متوقف‌اند و افراد تحت تعقیب نیز مورد عنایت قرار بگیرد.»